

رالی یونان، گردشی در طول تاریخ، عرض طبیعت و عمق عشق به خودروهای کلاسیک:

داشتن دوستانی با علاقه مشترک ماشینی از سراسر جهان این مزیت را دارد که تقریباً از هر رخدادی با خبر باشید. تابستان گذشته تنها ساعتی گفتگو کافی بود تا یوهان، دوست هلندی ام مرا برای شرکت در رالی یونان متقاعد کند. کارهایم را به سرعت انجام دادم و خودم را بالاخره به مسابقه یونان رساندم. در ظرف آن مدت کوتاه نتوانستم همراه دیگری از ایران برای سفر به یونان داشته باشم. تنها و به نمایندگی از ایران به مقصد آتن پرواز کردم. هم تیمی من "کوستادیس" در آتن با فولکس بیتل به دنبالم آمد و از همانجا بدون معطلی عازم سفری طولانی شدیم. "کوستادیس" با وجود تحصیل در رشته ای متفاوت و تجربه کاری، نهایتاً تصمیم گرفته زندگی اش را وقف علاقه اصلی اش یعنی فولکس کند. او در آتن متخصص بازسازی خودروهای کلاسیک فولکس واگن است. اتومبیلش را با علاقه خاصی بازسازی کرده و البته ماشینش که مربوط به سال 1956 هست، قدیمی ترین خودروی شرکت کننده مسابقه می باشد. دیگر خودروهای شرکت کننده عبارت بودند از:

MORRIS Mini 1967

AUSTIN Healey Sprite 1959

VW Karmann Ghia Coupe 1961

RENAULT Caravelle 1100 1963

MGB Roadster 1977

ALFA ROMEO GTAM 1970

FIAT 500 L 1969

BMW 1502 1975

PEUGEOT 504 Coupe 1974

ALFA ROMEO Spider 1974

PORSCHE 911s 2.7 1977

TRIUMPH Spitfire 1500 1977

Abarth 850 TC 1978

MERCEDES BENZ 200/8 1972

PORSCHE 924 LeMans 1980

MERCEDES BENZ W123 1977

ALFA ROMEO GT 1600 1973

PORSCHE 356 1956

TOYOTA Celica ST 1973

PORSCHE 911s 2.7 1974

CHEVROLET Corvette 1968

BMW 1602 1975

VW Golf MK1 1979

DKW F12 1962

LANCIA B Berlina 1978

اکثر شرکت کنندگان یونانی و تعداد دیگری هم از بقیه کشورهای اروپایی مانند ایتالیا، هلند و انگلستان بودند. دو شرکت کننده از آمریکا به اضافه من، غیر اروپایی های این جمع بودیم.

... چند ساعتی با فولکس بیتل رانندیم تا به محل قرار اولیه مان رسیدیم: هتلی پنج ستاره در کنار مدیترانه که منظره اش وصف ناپذیر بود. شب در همانجا مراسم معارفه و پذیرایی انجام شد و صبح روز بعد عازم بازدید از استادیوم باستانی المپیک یونان شدیم. اینجا محلی بود که هر ساله مراسم المپیک و مشعل معروفش را پذیراست. قدمت این محل ورزشی از قدمت بسیاری از کشورهای جهان بیشتر است.

بالاخره در ظهر همان روز اولین استارت رسمی مسابقه زده شد. معمولاً در مسابقات رالی خودروها به ترتیب سال تولید در خط استارت می ایستند، اما خودروی مینی بخاطر قهرمانی سال قبلش، اولین نفر استارت زد و ما با قدیمیترین ماشین دومین نفر خط استارت بودیم. حرکت هر خودرو با یک دقیقه تاخیر نسبت به خودروی قبل انجام می شود تا زمان مدیریت شود.

پس از بازدید نیمه روز از معبد تاریخی آپولو بر فراز کوههای مرتفع، استارت دوم به مقصد نهایی شهر "دیمیتسانا" زده شد. این شهر برای من تداعی شهرهای کوهستانی زاگرس خودمان و مناظر کردستان را داشت. مثال ملموس ترش را شاید بتوان لواسان دانست. شهری کوهستانی، بکر، لوکس، خوش منظره و البته سرد. پذیرایی هر روزه تور فرصت مناسبی بود تا با فرهنگ غذایی غنی یونان آشنا شوم. غذاهای یونان اکثراً سنتی هستند، که البته با شراب خودشان سرو می شوند. یونانی ها معتقدند کافه ترک نیز در حقیقت کافه یونانی است.

روز بعد از شهر تاریخی "میستراس" بازدید کردیم و بعد از صرف ناهار، استارت دوم را به مقصد عجیبترین نقطه این سفر زدیم: "مینیم واسیا" جزیره ای به وسعت تخته سنگ یا سنگی به وسعت یک جزیره، در جنوبی ترین نقطه یونان.

این جزیره که از نزدیک صخره ای غول آساست با پلی کوتاه به ساحل متصل شده است. در میان جزیره شهری تاریخی وجود دارد که اکنون با حفظ بافت اصلی تبدیل به رستوران و هتل‌های مختلف شده است و می توان شب را با تصور زندگی در هزاران سال قبل روی این خانه های کهن با دید به مدیترانه گذراند. آن لحظات بی شک بهترین بخش این رالی بود.

روز بعد مثل اکثر مواقع، در نیمه راه توقفی داشتیم و از منطقه تاریخی "کوسماس" بازدید کردیم. مقصد بعدی ما برای اقامت چند روز آتی، شهر تاریخی و پایتخت قبلی یونان یعنی "نافیلیو" بود.

نقشه خوانی این سفر آنقدرها هم کار آسانی نبود. تجربه در این کار تاثیر شگرفی دارد. شب اول ما در مکان دوم بودیم اما کم کم تجربه بقیه بیشتر شد و خطاهایشان کمتر. ادوات پیشرفته زمان سنجی در برخی خودروها به آنها کمک کرد تا یک به یک جایگاه خوب ما را تصاحب کنند و البته باید در نظر داشت تیم ما با قدیمی ترین خودروی این مسابقه سخت بود تا برنده نهایی باشد، هرچند اگر ادوات لازمه را داشتیم این امر ممکن بود.

دو روز آخر مسیرهای رفت و برگشت به نافیلیو در برنامه بود و شب را در این شهر تاریخی گذرانیدیم. بازدید از دیگر شهرهای تاریخی، مناظر طبیعی و کارخانه شراب در روز آخر فراموش نشدنی بود.

در روز آخر با اسطوره اتومبیلرانی یونان آشنا شدم که هشتاد و سه ساله بود و با "دکا و" به ما پیوست. او با همین ماشین چند دهه مسابقه داده بود و مورد احترام همه ماشین بازهای یونان بود. وقتی فهمید ایرانی هستم داستانی باور نکردنی گفت از راندن یک دستگاه گالوینگ که در اروپای شرقی دچار سانحه شده بود. وی این ماشین را در سال پنجاه و هشت میلادی تا تهران رانده بود و تحویل داده بود. تنها ساعاتی بعد از شب آخر و برنامه اختتامیه، اسطوره یونانی برای همیشه با دوستدارانش وداع کرد.

شب اختتامیه فرا رسید و تیم ما توانست تیم پنجم در رده بندی کلی باشد ولی دو کاپ نتیجه یک هفته تلاشمان شد: قدیمیترین خودروی شرکت کننده و مهمتر از آن نفر دوم در رده و کلاس خودمان.

با هم تیمم خداحافظی کردم و با یکی از دهها یونانی که در این سفر دوست شده بودم روز بعد به آتن بازگشتم. اینبار با یک بی ام و سه هزار اما با موتور به روزتر سری شش!

بازدید سریعی از موزه خودرو در آتن داشتم که توصیف آن خود مقاله ای جدا می طلبد. آتن را به مقصد رم ترک کردم اما با وجود این تعداد دوست خونگرم حتما باز هم به آتن خواهم رفت. هرچند یونانی ها اینقدر مهربان هستند که اصلا نمیدانم کجا را برای اقامت انتخاب خواهم کرد.

حضور یک هفته ای در کوههای بادخیز، کنار دریای مدیترانه، خودروهای کلاسیک، دوستانی با علاقات مشترک، آثار تاریخی بی نظیر، هتل های لوکس، غذاهای خاص، ملتی خونگرم و با فرهنگ؛ تجربه ای بود که همیشه به همراهم خواهد بود.

سمیر شیرازی

